

- مدیرمسئول: محمدامین ایمانجانی
- قائم‌مقام مدیرمسئول: مسعود فروغی
- سردبیر: محمد زعیم‌زاده
- دبیر وقایع اسرائیلیه: محمدصادق علیرزاده
- تلفن و فکس: ۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
- کدپستی: ۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
- چاپ: چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
- نشانی: خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری، روبه‌روی ساختمان بورس
- ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

امکان اجرای عملی مرحله دوم آتش‌بس غزه در هاله‌ای از ابهام قرار دارد

سایه روشن مثل مرحله دوم



ساره کاتلمی

آتش‌بس غزه که در مهر ۱۴۰۴ بر اساس طرح جامع ۲۰ ماده‌ای ترامپ به اجرا درآمد، تاکنون مرحله اولیه را پشت سر گذاشته است. این فاز که بر تبادل اسرا و اجساد و افزایش ورود کمک‌های بشردوستانه تمرکز داشت، تا حدی به نتیجه رسید. حماس تمامی گروگان‌های زنده باقی‌مانده اسرائیلی را آزاد کرد و اجساد را به جز یک جسد مفقود تحویل داد و در مقابل، اسرائیل ۲۰۰۰ زندانی فلسطینی، از جمله افراد محکوم به حبس ابد را آزاد نمود. ورود کمک‌های بشردوستانه نیز افزایش یافت و روزانه چند صد کامیون وارد نوار غزه شد؛ هرچند این میزان همچنان کمتر از نیازهای واقعی مردم آسیب‌دیده غزه است. با این حال، مرحله نخست بدون چالش هم نبود. گزارش‌های سازمان ملل، وزارت بهداشت غزه و رسانه‌های بین‌المللی مانند الجزیره و رویترز نشان می‌دهد که اسرائیل صدها بار آتش‌بس را نقض کرده که به کشته شدن بیش از ۴۰۰ فلسطینی انجامیده است. وضعیت انسانی در غزه همچنان فاجعه‌بار توصیف می‌شود. بیش از ۷۰ درصد زیرساخت‌ها ویران شده، آوارگی گسترده ادامه دارد و شیوع بیماری‌ها و سوءتغذیه شدید کودکان به بحران ابعاد تازه‌ای بخشیده است. باران‌های شدید زمستانی اخیر نیز با آب گرفتگی چادرهای موقت آوارگان، شرایط را وخیم‌تر کرده است. اکنون تمام توجه‌ها به مرحله دوم آتش‌بس معطوف شده است؛ مرحله‌ای به مراتب پیچیده‌تر و حساس‌تر. این مرحله شامل عقب‌نشینی کامل نیروهای اسرائیلی از نوار غزه، خلع سلاح حماس یا دست‌کم غیرنظامی‌سازی منطقه، استقرار نیروی بین‌المللی تثبیت (International Stabilization Force-ISF)، تشکیل شورای صلح تحت نظارت مستقیم ترامپ و انتقال اداره موقت غزه به کمیته‌ای از تکنوکرات‌های فلسطینی است. با این حال، موانع سیاسی، امنیتی و دیپلماتیک متعدد، چشم‌انداز تحقق این اهداف را تیره کرده است.

دیدار نتانیاهو و ترامپ؛ نقطه عطف؟

یکی از رویدادهای تعیین‌کننده پیش‌رو، دیدار بنیامین نتانیاهو با دونالد ترامپ در ۸ دی ۱۴۰۴ در اقامتگاه خصوصی مارالاگو در ایالت فلوریدا است. این دیدار می‌تواند مسیر مرحله دوم را هموار کند یا برعکس، به بن‌بستی تازه بینجامد. ترامپ آتش‌بس غزه را یکی از اولویت‌های سیاست خارجی خود می‌داند و تلاش دارد آن را به عنوان یک دستاورد شخصی برجسته کند. گزارش‌هایی از آکسیوس و بدیعوت آخرونوت، تأکید می‌کنند که وی اصرار دارد آغاز مرحله دوم هم‌زمان با شروع سال میلادی جدید اعلام شود. او به دنبال یک جشن دیپلماتیک پرسروصد است تا تصویر خود را به عنوان صلح‌کننده استثنایی تقویت کند و معتقد است با فشار مستقیم بر نتانیاهو می‌تواند موانع را کنار بزند، حتی اگر برخی جزئیات فنی هنوز نهایی نشده باشد.

با این حال، گزارش اخیر آکسیوس از تنش‌های جدی در این بین پرده برداشته است. بر اساس این گزارش، کاخ سفید به‌طور خصوصی و شدیداً به نتانیاهو اعتراض کرده و او را به نقض آتش‌بس متهم دانسته است. محور اصلی این اعتراض، ترور رائد سعد، فرمانده ارشد شاخه نظامی حماس (قسام)، در حمله هوایی اسرائیل بوده است. مقامات آمریکایی در پیامی صریح به نتانیاهو گفته‌اند: «اگر می‌خواهی اعتبار خود را تخریب کنی و نشان دهی به توافق‌ها پایبند نیستی، اختیار داری؛ اما اجازه نمی‌دهیم اعتبار رئیس‌جمهور ترامپ که این توافق را میانجی‌گری کرده، آسیب ببیند.» منابع آمریکایی معتقدند این ترور اقدامی عمدی برای کارشکنی در مسیر ورود به مرحله دوم بوده؛ چراکه نتانیاهو تمایلی به عقب‌نشینی کامل و خلع سلاح تحت نظارت بین‌المللی ندارد.

این در حالی است که نتانیاهو با فشارهای داخلی جدی روبه‌روست. کابینه ائتلافی او که وزیران تندرویی چون ایتمار بن‌گوریر و اسموتریچ را در بر می‌گیرد، به شدت با عقب‌نشینی کامل از غزه مخالف است. نهادهای

امنیتی اسرائیل، از جمله موساد و ارتش نیز هشدار داده‌اند که بدون خلع سلاح کامل حماس، هرگونه عقب‌نشینی می‌تواند خطر تکرار سناریوی مشابه ۷ اکتبر را افزایش دهد. برخی گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای حاکی از آن است که نتانیاهو ممکن است در دیدار با ترامپ، موضوعات حساس‌تری مانند برنامه هسته‌ای ایران یا تنش با حزب‌الله لبنان را مطرح کند تا توجه را از غزه منحرف سازد یا در ازای امتیاز در این پرونده، حمایت آمریکا در سایر جبهه‌ها را به دست آورد.

نیروی بین‌المللی تثبیت

ایده‌ای جذاب، اما بدون داوطلب جدی

استقرار نیروی بین‌المللی تثبیت (ISF) ستون فقرات مرحله دوم طرح ترامپ به‌شمار می‌رود. این نیرو قرار است وظایف متعددی را بر عهده بگیرد؛ از جمله نظارت بر آتش‌بس، تسهیل فرایند خلع سلاح حماس، نابودی تونل‌های باقی‌مانده، تأمین امنیت مرزهای غزه با فلسطین اشغالی و مصر و ایجاد بستر امن برای بازسازی. همچنین، این نیرو باید زمینه انتقال اداره غزه به کمیته‌ای از تکنوکرات‌های فلسطینی را فراهم کند که قرار است مستقل از حماس عمل کنند.

با وجود این اهمیت راهبردی، تشکیل چنین نیرویی با مشکلات جدی روبه‌روست. نشست مهم دوحه در اواسط آذر ۱۴۰۴، به مدیریت ویتکاف، نماینده ویژه ترامپ و با حضور نمایندگان بیش از ۴۰ کشور، بدون دستاورد ملموس پایان یافت. هیچ بیانیه رسمی یا تعهد مشخصی صادر نشد. نگرانی از ریسک‌های امنیتی، هزینه‌های سنگین مالی و تجربه‌های ناموفق پیشین نیروهای حافظ صلح از جمله دلایل اصلی این تردیدهاست به‌گونه‌ای که تا این مرحله، تنها چند کشور معذور نظیر اردن، امارات و بحرین آمادگی مشروط خود را اعلام کرده‌اند، آن هم بدون تمایل به استقرار نیرو در مناطق غربی غزه، موسوم به پشت خط زرد که تحت کنترل حماس است. اما نشست دیگری در میامی با حضور نمایندگان آمریکا، قطر، مصر و ترکیه بیانیه‌ای نسبتاً خوش‌بینانه صادر کرد. با این وجود جزئیات مربوط به ترکیب، مأموریت و فرماندهی نیروی بین‌المللی همچنان مبهم باقی‌مانده است.

نقش پررنگ، اما پرمناقشه قطر و ترکیه

قطر و ترکیه در مرحله نخست آتش‌بس نقش مهمی ایفا کردند. دوحه میزبان دفتر سیاسی حماس است و روابط مالی و سیاسی گسترده‌ای با این گروه دارد و ترکیه نیز حمایت ایدئولوژیک آشکاری از حماس نشان داده است. هاکن فیدان، وزیر خارجه ترکیه، اخیراً اعلام کرده که ترکیه انتظار دارد مرحله دوم در اوایل سال جدید میلادی آغاز شود و بر عقب‌نشینی کامل اسرائیل، بازگشایی گذرگاه‌ها و افزایش چشمگیر کمک‌های بشردوستانه تأکید کرده است. قطر نیز هشدار داده که تداوم نقض‌های اسرائیل می‌تواند کل آتش‌بس را با خطر فروپاشی مواجه کند. این دو کشور، در کنار مصر، همچنان میانجی‌های اصلی باقی‌مانده‌اند

و بدون هماهنگی با آنها، رسیدن به توافق با حماس عملاً ممکن نیست. با این حال، اسرائیل هرگونه نقش نظامی یا مدیریتی پررنگ برای قطر و ترکیه را رد می‌کند و آنها را حامیان حماس می‌داند. تل‌آویو نگران است که حضور این کشورها در نیروی بین‌المللی یا شورای صلح، به حفظ نفوذ حماس در ساختار اداره آینده غزه بینجامد. این نگرانی به حدی است که از حضور این کشور در نشست دوحه جلوگیری به عمل آورد و بدین صورت کارشکنی‌هایی در پیشبرد این نشست صورت گرفت.

خلع سلاح حماس؛ گره اصلی اختلافات

حساس‌ترین و چالش‌برانگیزترین مؤلفه مرحله دوم، مسئله خلع سلاح حماس است. اسرائیل این موضوع را پیش شرط مطلق ورود به مرحله دوم می‌داند. رسانه‌های عبری مانند هآرتص و تایمز اسرائیل گزارش داده‌اند ارتش اسرائیل نقشه‌هایی از شبکه تونل‌های باقی‌مانده و زرادخانه‌های پنهان حماس در اختیار دارد و بدون دسترسی کامل برای نابودی آنها، عقب‌نشینی را نوعی خودکشی راهبردی تلقی می‌کند. عاموس هرئیل، تحلیلگر نظامی برجسته نیز تأکید کرده که حتی نهادهای اطلاعاتی اسرائیل، نیروی بین‌المللی پیشنهادی ترامپ را برای خلع سلاح واقعی ناکافی می‌دانند و معتقدند این نیرو نهایتاً به انجماد وضعیت موجود منجر خواهد شد. در مقابل، حماس خلع سلاح کامل و یک‌جانبه را تسلیم بی‌قید و شرط می‌خواند و آن را رد کرده است. رهبران این جنبش، از جمله خالد مشعل و باسم نعیم، پیشنهادهایی مانند زمین‌گذاشتن موقت سلاح برای چند سال را مطرح کرده‌اند؛ مشروط به دریافت تضمین‌های بین‌المللی برای امنیت فلسطینی‌ها و عقب‌نشینی کامل اسرائیل. درعین حال منابع نزدیک به حماس می‌گویند این گروه از کنترل عملی بخش غربی غزه رضایت دارد و حتی تلاش برای یافتن و تحویل جسد آخرین گروگان اسرائیلی را ادامه می‌دهد تا حسن نیت خود را نشان دهد و مقدمات ورود به مرحله دوم فراهم شود.

مرحله دوم؛ گامی رو به جلو یا تعلیقی شکننده؟

در مجموع، مرحله دوم آتش‌بس غزه بیش از آنکه گامی قطعی و رو به جلو باشد، در وضعیتی معلق و شکننده قرار دارد که حاصل تلاقی فشارهای سیاسی واشنگتن، ملاحظات امنیتی اسرائیل و خطوط قرمز حماس است؛ وضعیتی که در آن، کفه موازنه در مقطع فعلی به نفع حماس سنگینی می‌کند. حماس تا به اینجا توانسته با حفظ بقا، تثبیت جایگاه سیاسی خود و بدون زمین‌گذاشتن سلاح، از آتش‌بس بهره‌برد. با این حال، فاصله عمیق میان خواسته‌های اعلامی طرف‌ها و امکان اجرای میدانی آن‌ها نشان می‌دهد که آغاز مرحله دوم نه محصول یک توافق پایدار، بلکه نتیجه وضعیتی موقت و ناپایدار است؛ وضعیتی که در صورت حل‌نشدن اختلافات بنیادین، می‌تواند آتش‌بس را معلق نگه داشته و مسیر بازگشت به درگیری را میسر نماید.